



## A Critique and Evaluation of Gabriel Reynolds' Perspective on the Term "Rajeem" (Stoning and Cursed) in the Quran \*

Sara Tanafard<sup>1</sup> and Zahra Ghasemnejad<sup>2</sup>

### Abstract



Gabriel Reynolds, in his book titled "The Quran and Its Biblical Subtext," while addressing the claim of Islamic exegetes' errors in understanding some Quranic terms and the necessity of correctly understanding the sacred texts, focuses on the specific study of thirteen examples from the Quran, one of which is the term "rajeem" (stoning). He believes that the term "rajeem" holds much greater significance than the traditional understanding of it as "worthy of stoning." Relying on the bible texts and establishing a connection between the story of Satan's expulsion and the Quranic cosmology, Reynolds concludes that the term "rajeem" signifies someone barred from entering heaven, wherein heaven acts as a protective fortress, and the stars are placed in the lowest heaven not only as adornments but also as protectors. Describing the stars as "rajoome," doesn't mean they are missiles to be thrown at devils; instead, it signifies that they are part of the celestial fortress protecting heaven. Therefore, Reynolds considers the sacred book as the basis for a correct understanding of the Quranic verses, which has been overlooked by Islamic exegetes, resulting in a mistaken interpretation. The current research, using a descriptive-analytical method, presents Reynolds' perspective and evaluates and critiques it from various angles. The results indicate that by employing other meanings of the root "rjm" in Arabic, without relying on the sacred books, it's possible to reach the mentioned meaning of the term "rajeem" and revise the opinions of exegetes.

**Keywords:** Gabriel Reynolds, Two Testaments, Satan, Rajeem.

---

\*. **Date of receiving:** 19/09/2023 ; **Date of correction:** 09/10/2023; **Date of approval:** 25/11/2023.

1. PhD Candidate of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Iran (Corresponding Author): stanafard@gmail.com .

2. Associate Professor at the Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Iran: Z\_ghasemi62@yahoo.com .



## نقد و ارزیابی دیدگاه گابریل رینولدز دربارهٔ واژه «رجیم» در قرآن \*

ساره تنافرد<sup>۱</sup> و زهرا قاسم‌نژاد<sup>۲</sup>



### چکیده

گابریل رینولدز در کتاب خود با عنوان «قرآن و زیرمتن عهدینی آن» ضمن مطرح کردن ادعای خطای مفسران اسلامی در فهم برخی لغات قرآن و نیازمندی فهم صحیح به متون مقدس، به مطالعه موردی سیزده مثال از قرآن می‌پردازد که یکی از آنها واژه «رجیم» است. وی معتقد است اصطلاح رجیم اهمیت بسیار بیشتری نسبت به درک سنتی از آن به‌عنوان «شایسته سنگ‌زدن» دارد. رینولدز با تکیه بر متون مقدس و ایجاد ارتباط میان داستان اخراج شیطان و جهان‌شناسی قرآن چنین نتیجه می‌گیرد که واژه رجیم به معنای کسی است که از ورود به آسمان منع شده و آسمان در نقش یک قلعه محافظتی است و ستاره‌ها در پایین‌ترین آسمان قرار می‌گیرند تا نه تنها به‌عنوان تزئین، بلکه به‌عنوان محافظ نیز عمل کنند. توصیف ستارگان به «رجوم»، به این معنا نیست که آنها موشک‌هایی هستند که باید به‌سوی شیاطین پرتاب شوند؛ بلکه به این معناست که آنها بخشی از قلعه آسمانی‌اند که از آسمان محافظت می‌کنند؛ بنابراین رینولدز کتاب مقدس را مبنای فهم صحیح آیات قرآن می‌داند که غفلت از آن سبب فهم نادرست مفسران اسلامی شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بیان دیدگاه رینولدز پرداخته، از جنبه‌های مختلف این دیدگاه را ارزیابی و نقد کرده است. نتایج نشان می‌دهد با استفاده از سایر معانی ریشه رجیم در عربی و بدون نیاز به کتب مقدس، و تنها با استفاده از منابع اسلامی می‌توان به معنای یادشده از واژه رجیم دست یافت و نظر مفسران را اصلاح کرد.

واژگان کلیدی: گابریل رینولدز، عهدین، شیطان، رجیم.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴.  
۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول): s.tanafard@gmail.com  
۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، ایران: Z\_ghasemi62@yahoo.com



## مقدمه

گابریل رینولدز، متولد سال ۱۹۷۳ در آمریکا، استاد مطالعات اسلام و الهیات دانشگاه نتردام و پژوهشگر در زمینه مطالعات قرآن، تاریخ مسیحیت، روابط مسیحیان و مسلمانان و اسلام آغازین است. وی که در حال حاضر از جمله فعال‌ترین قرآن‌پژوهان معاصر و رئیس انجمن مطالعات بین‌المللی قرآن است، در سال ۲۰۱۰ با چاپ کتابی با عنوان «قرآن و زیرمتن عهدینی آن» مدعی شد محتوای تفاسیر اسلامی از متن قرآن فاصله گرفته است. او کوشید تا راه‌حلی جهت فهم صحیح متن قرآن ارائه دهد. از دیدگاه او پرداختن به جزئیات زندگی پیامبر ﷺ توسط مفسران، سبب گشایش گره‌های معنایی نمی‌شود؛ بلکه سردرگمی بیشتر را به دنبال خواهد داشت.

رینولدز معتقد است مفسران اسلامی به دلیل پایبندی به چهارچوب‌های اعتقادی محدود از سویی و نیز محدودیت‌های زبانی و دسترسی نداشتن به متون آرامی، سریانی، یونانی، عبری، حبشی و پهلوی از سوی دیگر، با متنی مبهم روبه‌رو بودند و در برخی موارد نتوانسته‌اند معنای صحیحی از متن را ارائه دهند؛ لذا برای درک قرآن نمی‌توان به تفاسیر اسلامی رجوع کرد. او معتقد است قرآن در شرایطی نازل شده است که مخاطبانش با شخصیت‌ها و داستان‌های عهدین آشنا بوده‌اند و بر اساس آن پیش‌فرض‌های ذهنی کلام خدا را می‌فهمیدند؛ پس اکنون نیز به‌منظور فهم بهتر قرآن، بایستی به متون عهدینی مراجعه شود. البته باید توجه کرد که رینولدز برخلاف بسیاری خاورشناسان، در صدد اثبات اقتباس قرآن از متون پیش از خود نیست؛ بلکه قرآن را گفتگوکننده با آن متن‌ها و ارجاع‌دهنده به آنها قلمداد می‌کند. به این معنا که قرآن را باید در پرتو گفتگو با نوشته‌های عهدینی پیشین درک کرد. در مجموع رویکرد او از افراط‌های خاورشناسان خالی است و به دنبال گشایش بابتی همدلانه در راستای فهم قرآن است (علوی و محمدی، تحلیل جریان‌های اصلی قرآن‌پژوهی مستشرقان معاصر (با تأکید بر آمریکا). دو فصلنامه علمی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۴۰۲: ۹-۳۸).

رینولدز در کتاب «قرآن و زیرمتن عهدینی آن»، به منظور اثبات ادعای خود که در واقع مبنای او در این کتاب است، به بررسی موردی سیزده مثال قرآنی می‌پردازد و در هر مورد ضمن تبیین نظرات مفسران اسلامی منتخب، ابهام‌های موجود در آنها را مشخص کرده، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با مراجعه به متون عهدینی، آنها را برطرف ساخت. پرداختن به معنای واژگان قرآنی که اصطلاحاً مفردات نامیده می‌شود، از آن جهت حائز اهمیت است که مسیر دستیابی به مقاصد قرآنی را هموار می‌کند. به بیانی دیگر فهم مفردات قرآن چنانچه به درستی صورت گیرد تا حد امکان از وقوع خطا در تفسیر آیات پیشگیری خواهد کرد. از میان موارد سیزده‌گانه مطرح‌شده توسط رینولدز، تاکنون تنها یک مورد یعنی

موضوع کفالت حضرت مریم و استفاده از قلم‌های قرعه‌کشی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد آرای گابریل رینولدز در باب کفالت حضرت مریم در قرآن» توسط زروانی و دیگران (۱۳۹۵) بررسی شده است و سایر ادعاهای رینولدز در این کتاب، تاکنون در هیچ پژوهشی مطالعه و نقد شده است. در میان سایر پژوهش‌های انجام‌شده نیز یا همچون نوبری و میرمرادی (۱۴۰۱) در «تحلیل انتقادی مقاله «دوتایی‌های قرآنی»، تمرکز بر سایر نظرات و آثار رینولدز بوده است که ارتباطی با معنای واژه رجیم ندارد و یا همچون بهادری جهرمی (۱۳۹۵) در «بررسی آیات دورکردن شیاطین به وسیله شهاب‌سنگ» و احسانی و پرویزیان (۱۳۹۵) در «بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها درباره آیات رجم شیاطین با شهاب‌ها»، عمدتاً توجه روی آیات مربوط به شهاب بوده و با پیش‌فرض دانستن معنای رجیم، تنها به واکاوی نظرات تفسیری مختلف و بیان اختلاف‌نظرها در معنای آیات مربوط به شهاب‌ها پرداختند. اینکه منظور خداوند از دورکردن شیاطین به وسیله شهاب‌سنگ‌ها چیست؟ ستاره‌ها چه نقشی در این فرایند دارند و آیا بایستی معنای ظاهری آیات در نظر گرفته شود یا راه تأویل را در پیش گرفت. حال آنکه در این نوشتار بحث بر سر معنای واژه «رجیم» است که به‌عنوان یکی از موارد سیزده‌گانه ذکر شده در کتاب، تاکنون در هیچ پژوهشی نیامده و اینک بررسی خواهد شد.

## ۱. بیان مسئله

غالب تفاسیر اسلامی واژه رجیم را به معنای مشتوم، ملعون، مطرود از مقام و یا مرجوم به وسیله ستارگان در نظر گرفته‌اند و زمانی که به آیه «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ» (ملک/۵)؛ رسیدند، همگی به یک‌باره به ریشه «رجم» به معنای سنگ‌زدن بازگشته و ضمن یکی دانستن این آیه با آیات مربوط به شهاب‌ها، در معنای رجوم چنین گفته‌اند که خداوند به وسیله مصابیح، شیاطین را سنگسار می‌کند؛ و چون با پیشرفت علم ممکن نبودن پرتاب ستاره‌ها اثبات شده است، به‌ناچار در معنای مصابیح و چگونگی سنگسار شیاطین به بیان نظرات مختلفی پرداخته‌اند؛ اما از منظر رینولدز اصطلاح رجیم اهمیت بسیار بیشتری نسبت به درک سنتی از آن به‌عنوان «شایسته سنگ‌زدن» دارد. او با اشاره به نظر نولدکه در معنای واژه رجیم (Nöldeke, Neue Beiträge zur semitischen Sprachwissenschaft, 1910, 25, 47) می‌گوید: «بر اساس نظر نولدکه، این ایده از درک نادرست محمد از اصطلاح رجیم پدید آمد. اگر این اصطلاح از اتیوپی (به معنای لعن) گرفته شده باشد، محمد آن را بر اساس ریشه عربی «رجم» که مربوط به «سنگ‌زدن» است، فهمیده است. بنابراین او به این فکر افتاد که خداوند شیطان رجیم را از آسمان سنگ می‌زند. ستاره‌ها همان سنگ‌ها یا رجوم



هستند. البته این عقیده‌ای است که احتمالاً در پس سنت پرتاب سنگ به ستون‌های مرتبط با شیطان در حج نهفته است، مراسمی که در قرآن ذکر نشده است. «(Reynolds, The Qur'ān and its Biblical Subtext, 2010:58) در عین حال، نولدکه چنین پیشنهاد می‌کند که قرآن از یک معنای «رجم» (معنایی مرتبط با لعن) در اشاره به اخراج شیطان از باغ استفاده کرده و در جهان‌شناسی خود از معنای دیگر «رجم» (مرتبط با سنگ‌زدن) استفاده می‌کند (همان)؛ اما رینولدز در پرتو سنت یهودی و مسیحی، داستان اخراج شیطان و جهان‌شناسی قرآن را با هم مرتبط می‌داند. او که فهم صحیح آیات قرآن را در گرو رجوع به کتب مقدس می‌داند، در بیان معنای واژه رجیم با استفاده از منابع عهدینی می‌گوید رجیم به معنای اخراج یا طردشده، به معنای کسی است که از ورود به آسمان منع شده و واژه رجوم در قرآن ارتباط معنایی با رجیم دارد و نقش ویژه ستارگان را در محافظت از آسمان منعکس می‌کند. در نتیجه اخراج شیاطین را به اجرا در می‌آورد. به عبارت دیگر وقتی قرآن مصابیح را به عنوان «رجوم» توصیف می‌کند، به این معنا نیست که آنها موشک‌هایی هستند که باید به سوی شیاطین پرتاب شوند؛ بلکه به این معناست که آنها بخشی از قلعه آسمانی هستند که از آسمان محافظت می‌کند. و این آیات کیهان‌شناسی را بازتاب می‌دهد که به موجب آن خداوند ستارگان را در پایین‌ترین کره آسمانی قرار داد.

در این پژوهش با دو سؤال اساسی مواجه هستیم؛ نخست اینکه آیا معنای پیشنهادی رینولدز برای واژه رجیم در قرآن و به‌طور ویژه واژه رجوم در آیه ۵ سوره ملک پذیرفتنی است یا خیر؟ و ثانیاً به فرض پذیرش این معنا، آیا ادله اثبات آن از منابع اسلامی استخراج می‌شود یا چنان‌که رینولدز ادعا کرده است، الزاماً بایستی به منابع عهدین مراجعه شود؟ اهمیت این پژوهش با توجه به اتهام واردشده از سوی رینولدز مبنی بر ناتوانی مفسران اسلامی در فهم برخی لغات قرآن، و نیازمندی قرآن به کتب مقدس، نمود بیشتری می‌یابد. اگر ثابت شود معنای پیشنهادی رینولدز به فرض صحت، از منابع اسلامی نیز استخراج می‌شود، توانسته‌ایم با دفاع از غنای منابع اسلامی و استقلال قرآن در انتقال مفاهیم و بی‌نیازی به کتب پیشین، از صحت و ساحت مبارک تفاسیر اسلامی و توانایی مفسران نیز دفاع کرده باشیم. لذا به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، نخست به بیان و تحلیل نظرات گابریل رینولدز در کتاب «قرآن و زیرمتن عهدینی آن»، دربارهٔ واژه رجیم و معنای آن در قرآن کریم پرداخته، در ادامه تلاش خواهیم کرد صحت نظرات و ادله ایشان را ارزیابی و نقد کنیم.

## ۲. دیدگاه گابریل رینولدز در معنای واژه رجیم در کتاب قرآن و زیرمتن عهدینی آن

رینولدز نظرات خود را درباره واژه رجیم با ذکر این نکته آغاز می‌کند که خداوند در قرآن کریم میان ابلیس و شیطان تفاوت قائل شده است و هرگاه سخن از موجود شورش‌کننده آسمانی علیه خدا و رهبر سایر موجودات شرور آسمانی است، از او با نام ابلیس یاد کرده است: ﴿وَجُنُودٌ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ﴾ (شعرا/۹۵) و یا ﴿إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ (حجر/۳۱)؛ و هرگاه سخن از او به‌عنوان فریبنده بشریت بر روی زمین است او را شیطان می‌خواند. ﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکِینَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِینَ﴾ (اعراف/۲۰) یا می‌فرماید: ﴿فَوَسْوَسَ إِلَیْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا یَبْلَىٰ﴾ (طه/۱۲۰) یا می‌فرماید: ﴿وَإِمَّا یَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ﴾ (فصلت/۳۶) و ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ (ناس/۴). وی با بیان این نکته که در قرآن واژه رجیم تنها با نام شیطان همراه شده و هرگز با نام ابلیس همراه نشده است، از این همنشینی چنین نتیجه می‌گیرد که احتمالاً این واژه نشانه‌ای از وضعیت شیطان پس از اخراج او از آسمان باشد (Reynolds, The Qur'an and its Biblical Subtext, 2010:54).

رینولدز معتقد است توجه به معنای ریشه عربی رجیم (رجم) به معنای سنگ‌زدن سبب فهم نادرست مفسران از این واژه شده است و این مشکل زمانی بیشتر نمایان می‌شود که در آیه ۵ سوره ملک با واژه رجوم مواجه می‌شویم ﴿وَلَقَدْ رَیْنَا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّیْطَانِ﴾؛ زیرا چنان‌که واژه رجیم را به معنای رانده‌شده یا ملعون بدانیم، در معنای واژه جمع «رجوم» با مشکل مواجه خواهیم شد (Reynolds, The Qur'an and its Biblical Subtext, 2010:55).

رینولدز در ادامه مطالعه موردی خود بیان می‌کند که اکثر مترجمان از جمله پیکتال، یوسف علی، فخری و عبدالحلیم در این آیه از سنت اسلامی و معنای استاندارد عربی ریشه رجم پیروی کرده و رجوم را به معنای موشک‌ها (پرتابه‌ها) (که احتمالاً همان ستاره‌ها یا قبسی از آنها باشند) که به سمت شیاطین پرتاب می‌شوند، گرفته‌اند و بدین ترتیب بین این آیه و آیه دیگری از قرآن که در آن از واژه شهاب (دنباله‌دار، اخگر) برای دورکردن شیاطین یا جنیانی که قصد ورود به آسمان را دارند، استفاده شده، ارتباط برقرار کرده‌اند (ibid).

او همچنین با بررسی پنج تفسیر اسلامی: تفسیر مقاتل، تفسیر قمی، تفسیر طبری، تفسیر زمخشری و تفسیر ابن‌کثیر، به شرح نظرات نویسندگان آنها درباره واژه رجیم و رجوم می‌پردازد که همگی با اندک تفاوت‌هایی رجوم را در معنای پرتاب ستارگان یا نوری از آنها به طرف شیاطین می‌دانند (ibid).



رینولدز که معتقد است فهم صحیح واژه رجیم بدون مراجعه به کتب مقدس ممکن نیست، در ادامه می‌کوشد تا در پرتو سنت یهودی و مسیحی، میان داستان طرد شیطان در قرآن و جهان‌شناسی قرآن ارتباط برقرار کند. او به بیان شواهدی از عهد جدید می‌پردازد که نشان می‌دهد بهشت بالا چیزی جز باغ عدن نیست (دوم قرتیان ۲: ۱۲-۴) و از یک سنت تفسیری برجسته نقل می‌کند که باغ عدن، بر روی کوهی مرتفع قرار گرفته، جایی که آسمان و زمین به هم می‌رسند. وگرنه اندرسون آن را «کوه کیهانی» نامیده است؛ واژه‌ای که مفهوم آن پیش‌تر در برخی قطعات عهد عتیق مطرح شده است. (پادشاهان ۲) بعلاوه به این نکته توجه می‌دهد که در وحی الهی، شیطان پایین فرستاده شده است همچنان که در قرآن نیز سخن از پایین فرستادن و هبوط شیطان و آدم و حواست (اهبطوا، بقره/۳۸) و این کوه کیهانی که در متون سریانی در آن واحد پایین‌ترین سطح آسمان و بالاترین سطح زمین دانسته شده است، همان جایی است که شیطان پس از امتناع از پرستش آدم، از مراتب بالاتر آسمان به آنجا فرستاده می‌شود. سپس در آنجا در باغ، شیطان وارد بدن مار شده به اغوای انسان می‌پردازد و همین ماجرا منجر به سقوط دوباره او می‌شود (کتاب پیدایش، ۳، ص ۵-۱۴). (Reynolds, The Qur'ān and its Biblical Subtext, 2010: 61) در قرآن نیز شیطان دو بار پایین انداخته شده است. نخست هنگامی که از سجده بر انسان امتناع می‌ورزد، و خداوند خطاب به او می‌گوید: از [آسمان] فرود آی! (اعراف/۱۳). و مرتبه دوم، زمانی که خداوند او را همراه با آدم و حوا مجازات می‌کند و از باغ پایین فرستاده می‌شود: «همگی از [باغ] فرود آید» (بقره/۳۸؛ اعراف/۲۴). رینولدز می‌گوید به علت این اخراج است که قرآن شیطان و لشکریانش را رجیم می‌خواند و توضیح می‌دهد که چگونه راه آنها به آسمان مسدود شده است ﴿وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (حجر/۱۷) از منظر او، کوه کیهانی مذکور در منابع عهدین که شیطان و لشکریانش را از ورود به قلمرو آسمانی مسدود می‌کند، کارکردی شبیه به کارکرد بروج (حجر/۱۶)، کواکب «ستارگان»؛ (صافات/۶) یا مصابیح «چراغ‌ها»؛ (ملک/۵) در قرآن دارد که به‌طور مؤثری مانع ورود شیاطین و جن به قلمرو آسمانی (یا به تعبیر آیه ۵ سوره ملک پایین‌ترین قسمت آسمان (السماء الدنيا) می‌شود. رینولدز نتیجه می‌گیرد که در قرآن، آسمان همچون قلعه یا ساختمان دفاعی بزرگ و قوی است؛ و ستاره‌ها در پایین‌ترین آسمان قرار می‌گیرند تا نه تنها به‌عنوان تزئین بلکه در نقش محافظ نیز عمل کنند: ﴿إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكُوكَبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ﴾ (صافات/۶-۷). آنها سدی را تشکیل می‌دهند که تلاش‌های شیطان و لشکریانش را برای گوش دادن به ملا اعلی ناکام می‌کند. بر این اساس قرآن در سوره حجر اعلام می‌کند: ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيْنَاتًا لِلنَّازِرِينَ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (حجر/۱۶-۱۷)؛ «ما بروج را در

آسمان ساختیم و آن را برای بینندگان تزئین کردیم، ما آن را محافظت کردیم از هر شیطان رجیم.» و با کنار هم قراردادن آیات سوره صافات و حجر نتیجه گرفته است که در سوره حجر واژه «بروج» جانشین «ستارگان» (کواکب) در سوره صافات شده است که اغلب به صورت صور فلکی و گاهی به معنای برج‌ها و موانع معنا می‌شود (Reynolds, The Qur'an and its Biblical Subtext, 2010:62).

بنابراین بر اساس نظر رینولدز: «قرآن تصویری از کیهان را ترسیم می‌کند که بر اساس آن موجودات روحانی و خود آسمان در جهانی شبیه به این جهان وجود دارد. فرشتگان از زمین به آسمان سفر می‌کنند؛ اما شیاطین نمی‌توانند. اگر آن قدر نزدیک شوند که چیزی از ملا اعلی بشنوند، زیر آتش گرفته می‌شوند (ibid:63). قرآن توضیح می‌دهد که یک شهاب («دنباله‌دار») یا «اخگر» آن شیاطین یا جیانی (جن/۷۲) را که می‌خواهند چیزی از مکالمات آسمانی را بدزدند، تعقیب می‌کند ﴿إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ﴾ (حجر/۱۸)؛ ﴿إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ (صافات/۱۰؛ حجر/۱۸) و در ادامه به دو نکته توجه می‌دهد که اولاً شهاب، شیاطین و جن را سنگ نمی‌زند (رَجَمَ)، بلکه تنها آنها را تعقیب می‌کند (أَتْبَعَ). ثانیاً از آنجاکه ستاره‌ها هرگز این عمل را انجام نمی‌دهند؛ بلکه محکم و غیرقابل حرکت در مرز آسمان قرار دارند، نتیجه می‌گیریم که در سوره صافات نیز، در عبارت «بقدفون من کل جانب» شیاطین هستند که از آسمان پرتاب می‌شوند و نه ستارگان! (Reynolds, The Qur'an and its Biblical Subtext, 2010:63).

وی در انتها به سراغ اصطلاح رجوم در سوره ملک می‌رود و چنین استدلال می‌کند که قرآن در این آیه می‌فرماید: «ما پایین‌ترین آسمان را با چراغ‌ها زینت دادیم و آنها را برای شیاطین رجوم قرار دادیم». به موازات آن در سوره صافات آمده است: «ما پایین‌ترین آسمان را به زینت ستارگان آراستیم». یا در سوره حجر: «ما در آسمان برجهایی ساختیم و آن را برای بینندگان زینت دادیم». وقتی قرآن «چراغ‌ها» (یعنی «ستارگان» یا «برج‌ها») را به عنوان «رجوم» توصیف می‌کند، به این معنا نیست که آنها موشک‌هایی هستند که باید به سوی شیاطین پرتاب شوند؛ بلکه به این معناست که آنها بخشی از قلعه آسمانی هستند که از آسمان محافظت می‌کند. واژه رجوم در قرآن ارتباط معنایی با رجیم دارد به معنای چیزی مانند بروج (برج‌ها) است و نقش ویژه ستارگان را در محافظت از آسمان منعکس می‌کند، در نتیجه اخراج شیاطین را به اجرا در می‌آورد. (ibid).

از منظر رینولدز اصطلاح رجیم بسیار بیشتری نسبت به درک سنتی از آن به عنوان «شایسته سنگ‌زدن» دارد. رجیم به معنای اخراج یا رانده شده است؛ به معنای کسی که از ورود به آسمان منع شده است و این آیات کیهان‌شناسی را بازتاب می‌دهد که به موجب آن خدا ستارگان را در پایین‌ترین کره





آسمانی قرار داد. همچنان‌که در پیدایش ۱۷/۱ نیز بیان می‌کند، «خدا [ستارگان] را در طاق آسمان قرار داد تا بر زمین بدرخشند.» این طاق یک مانع را تشکیل می‌دهد. بهشت، ملا اعلی و حضور خداوند فراتر است (ibid:64).

### ۳. نقد و ارزیابی دیدگاه گابریل رینولدز درباره واژه رجیم

در برخورد با ایده مطرح شده از سوی گابریل رینولدز در معنای واژه رجیم با دو مسئله مواجه هستیم. در گام نخست باید به این مسئله پردازیم که آیا مفهوم پیشنهادی از سوی او برای این واژه صحیح است یا خیر؟ و در گام دوم مسئله این است که اگر این ایده پذیرفتنی است آیا چنان‌که او می‌گوید تنها در پرتو متون عهدینی قابل دستیابی است یا با استفاده از منابع اسلامی نیز می‌توان به آن دست یافت؟

#### یک. معنای واژه «رجیم» در منابع اسلامی

با مراجعه به منابع لغوی مشاهده می‌شود که در زبان عربی، رجیم به معنای پرتاب کردن سنگ است که در استعاره از سایر معانی نیز به کار رفته است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ۴۹۳/۲). از جمله معانی دیگری که در کتب لغت برای رجیم در نظر گرفته شده است می‌توان به گمان بد بردن به کسی، قتل، توهم، دوری، لعن، ظن، ناسزاگوئی و طردکردن اشاره داشت (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۸: ۱۲۰/۶؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ۴۹۳/۲؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۶: ۳۴۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۲۷/۱۲) طبری «رجیم» را به معنای مشتوم (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۶۶/۱۴)، لعین (همان: ۱۴۶/۲۰) و ملعون (همان: ۱/ ص ۱۱۰) دانسته و چنین می‌افزاید که ممکن است به شیطان رجیم گفته شده باشد، چون به واسطه شهاب‌ها از آسمان‌ها طرد می‌شود (همان). فخر رازی در تفسیر واژه رجیم دو قول را عرضه می‌کند: یکی اینکه واژه را بر معنای مجاز حمل کنیم؛ یعنی طرد به علت اخراج از آسمان یا بهشت (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲۳۴/۲۶)، یا طرد از رحمت خدا با استدلال به آیه «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿ص/ ۷۸﴾». همچنان‌که تعدادی از مفسران بر این نظر بوده و رجیم را ملعون یا مطرود گرفته‌اند (ابن ابی‌زمین، تفسیر ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۳: ۱۰۰/۴؛ رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ۱۹۹۰: ۲۳۸/۳؛ طنطاوی، تفسیر الوسیط، ۱۹۹۷: ۹/۸)؛ و قول دوم اینکه واژه را بر حقیقت حمل کنیم و شیاطین را مرجومین به وسیله شهاب‌ها بدانیم (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲۳۴/۲۶) که این نظریه نیز در میان مفسران موافقانی دارد، از جمله ابو عبیده که رجیم را به معنای

مرجوم به وسیله ستارگان دانسته است. (ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱: ۳۴۸/۱). برخی دیگر همچون فخر رازی، نسفی، طوسی و طبرسی هر دو وجه را در تفاسیرشان آورده‌اند (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۲۳۴/۲۶؛ نسفی، تفسیر النسفی، ۱۴۱۶: ۲۳۹/۲؛ ۲۷۰، ۲۴۱؛ طوسی، التیان، بی تا: ۲۸۷/۱۰؛ ۳۲۴/۶؛ ۵۸۴/۸؛ ۳۳۵/۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۴۹/۱؛ ۱۱۵/۶؛ ۲۸۱/۱۰).

در مجموع مفسران سه احتمال کلی در معنای واژه رجوم در نظر گرفته‌اند: ۱. ملعون؛ ۲. مرجوم به وسیله ستارگان یا شهاب‌ها؛ ۳. مطرود.

ناگفته پیداست که طردشدن از درگاه الهی همان دور ماندن از رحمت او و نوعی لعنت از جانب خداوند است و لعنت خداوند نیز همان طردشدن از درگاه الهی است و اخراج شیطان به معنای سقوط اوست از مقام و منزلتش و او با این اخراج از مقام قرب الهی تنزل یافت؛ اما به نظر می‌رسد علاوه بر سقوط معنوی، سقوط مکانی شیطان نیز از ظاهر آیات برداشت می‌شود؛ همانگونه که خداوند نیز نخست از اخراج شیطان سخن گفته است: ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ (ص/۷۷) و سپس در ادامه لعنت خویش را بر جریمه قبلی (یعنی اخراج) می‌افزاید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾ (ص/۷۸). لذا در ادامه به بررسی این احتمال خواهیم پرداخت.

#### الف. ملعون یا مرجوم به وسیله ستارگان یا شهاب‌ها

از اینکه خداوند واژه «رجیم» و «لعنت» را به‌طور جداگانه استفاده کرده است، این گمان در ذهن شکل می‌گیرد که شاید منظور از رجیم چیزی فراتر از دورشدن از رحمت الهی باشد و خداوند رجیم بودن و ملعون بودن را به‌عنوان دو جریمه جداگانه برای شیطان قرار داده باشد؛ و نه دو معنای یکسان. هم اخراج شده و رجیم است و هم با لعنت خداوند از رحمت او دور شده است. بررسی آیات قرآن نیز به این گمان قوت می‌بخشد.

از کنار هم قراردادن آیات قرآن، و با استفاده از آنچه نشانه‌شناسان روابط جانشینی می‌نامند، (قائم‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۹۳: ۲۲۵)، ملاحظه می‌شود که احتمالاً معنای ملعون انتخاب درستی برای واژه رجیم نیست. برای مثال از کنار هم قراردادن آیاتی چون ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ... لَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ﴾ (هود/۹۱) و آیه ﴿لَتُنْحَرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَوِّيتِنَا﴾ (اعراف/۸۸) و جانشینی دو واژه «لَرَجَمْنَاكَ» و «لَتُنْحَرِجَنَّكَ» چنین نتیجه گرفته می‌شود که عبارت «لَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ» احتمالاً در معنای تهدید شعیب و قوم او به اخراج بوده است و نه سنگسارکردن ایشان. استفاده از روابط جانشینی در آیات مشابه نیز می‌تواند تأییدی بر این نظر باشد؛ چنانچه واژه رجیم را در آیه دوم جایگزین کنیم، معنای «مَدَّوْماً مَدْحُورًا» برای رجیم به دست می‌آید: ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ



رَجِيمًا» و آیه «قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْهُورًا» که مذهب به معنای مذموم (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۶: ۳۳۵) و مدحورا به معنای مطرود است (فراهیدی، کتاب العين، ۱۴۰۸: ۱۷۷/۳). همچنین در دو آیه زیر چنانچه دو واژه «رجیم» و «مارد» را جایگزین یکدیگر کنیم، مفهوم واژه «رجیم» به معنای «مارد» تعیین خواهد شد: «وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ» و آیه «وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ».

از طرفی پذیرش معنای دوم یعنی معنای سنگ‌زدن (مرجوم به وسیله ستارگان یا شهاب‌ها) نیز برای واژه رجیم با اشکالاتی روبه‌روست؛ از جمله اینکه نخستین بار پس از سربچی از فرمان خداوند مبنی بر سجده در برابر آدم و قبل از هبوط بر روی زمین است که خداوند شیطان را رجیم خطاب کرده است: «قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (حجر/۳۴) درحالی که در آن هنگام هنوز از مسئله استراق سمع از آسمان و تعقیب به وسیله شهاب اصلاً سخنی در میان نبوده است. پس در نظر گرفتن این معنا نیز صحیح به نظر نمی‌رسد.

بنابراین از میان سه معنای پیشنهادی مفسران، تنها معنای مطرود (رانده‌شده، اخراج‌شده، طردشده) باقی می‌ماند؛ اما اینکه اخراج و طرد شیطان به چه معناست و او از کجا اخراج شد، مجدداً در میان مفسران با پاسخ‌های متفاوتی روبه‌رو شده است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## ب. رانده‌شدن شیطان

اکنون به سومین معنای پیشنهادی، یعنی مطرود یا رانده‌شده می‌رسیم. در قرآن کریم هنگام رجیم خواندن شیطان سخن از اخراج اوست: «قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (حجر/۳۴)؛ اما این اخراج از کجا و به کجا بود؟ طبری «منها» را «من الجنة» معنا کرده و خروج شیطان را خروج از بهشت می‌داند (طبری، جامع البيان، ۱۴۱۲: ۸۸/۱۰)؛ اما خروج از بهشت بدون در نظر گرفتن هبوط شیطان که در آیه ۱۳ سوره اعراف «قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ» با اخراج او همراه شده (... فَاهْبِطْ ... فَاخْرُجْ ...). این اشکال را به دنبال خواهد داشت که اگر شیطان از بهشت اخراج شده بود، چگونه توانست بار دیگر وارد آن شده و به اغوای آدم و حوا پردازد؟ اما فخر رازی به هبوط به معنای پایین آمدن توجه داشته و آن را به معنای خروج از بهشت یا آسمان گرفته است؛ اما چون هبوط شیطان را مستقیم به سوی زمین می‌داند، او نیز با این اشکال مواجه شده که اگر شیطان قبلاً به زمین هبوط کرده بود، پس چرا خداوند در ماجرای اغوای آدم مجدداً امر «اهبطوا» را خطاب به او و آدم و حوا فرمود؟ لذا می‌گوید: در پاسخ این سؤال خواهیم گفت: «چون خداوند متعال او را به زمین فرستاد، شاید بار دیگر به آسمان بازگشت تا آدم و حوا را که در بهشت بودند وسوسه کند.» (فخر رازی،

تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۷/۳). پاسخی که نمی تواند قانع کننده باشد؛ چون پذیرفتنی نیست که شیطان به راحتی توانسته باشد امر الهی را نقض کرده و در موقع دلخواه خود مجدداً به بهشت یا آسمانی که از آن اخراج شده بود، بازگردد؛ اما طبرسی سه قول مختلف را نقل می کند: «حسن گوید: یعنی از آسمان، پایین برو. برخی گویند: یعنی از بهشت پایین برو. برخی گویند: یعنی از این مقام بلندی که داری پایین برو» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۲۲۵/۴). علامه که در جایی دیگر رجیم را به معنای رجم شده و مطرود دانسته و به رانده شدن شیطان از میان ملائکه و از آسمان یا از مقام و منزلت الهی اشاره می کند (طباطبائی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۲۲۹/۱۲)، ذیل آیه ۱۳ سوره مبارکه اعراف، هبوط شیطان را هبوطی معنوی می داند و نه پایین آمدن از مکانی به مکان دیگر. و می گوید اخراج شیطان خروج از مقامی و نزول به درجه پایین تر است (فرود آمدن از مقام بلند) (طباطبائی، المیزان، بی تا: ۳۰/۸). این حقیقت پذیرفتنی است که شیطان پس از سرکشی و رانده شدن از درگاه خداوند، مقام قربت و منزلت خویش را از دست داد؛ اما به نظر می رسد علاوه بر این مفهوم، معنای ظاهری آیه نکته دیگری را نیز در نظر داشته باشد. وقتی خداوند هم در این آیه و هم در آیات دیگر (قال فاخرج منها و...) صراحتاً از فعل امر خارج شو برای شیطان استفاده کرده است، چرا باید هبوط را صرفاً در معنای فرود آمدن از مقام بلند در نظر بگیریم و نه خارج شدن حقیقی؟ درحالی که خود خداوند نیز هنگام اخراج آدم و حوا که مشخصاً خروج از بهشت و نزول به زمین بوده است از واژه هبوط استفاده کرده و خود علامه ذیل تفسیر آن آیات، هبوط را به معنای خروج و پایین آمدن از بهشت گرفته است (طباطبائی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۱).

در تفسیر نمونه به عنوان جمع بندی نظرات مختلف مفسران آمده است: «در مورد ضمیر «منها» جمعی از مفسران معتقدند که به «آسمان» یا «بهشت» برمی گردد، و بعضی به «مقام و درجه» باز گردانده اند که از نظر نتیجه، چندان تفاوتی با هم ندارند.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ۱۰۶/۶). حال آنکه برعکس، به نظر می رسد این دو نظر بسیار متفاوت و تأثیرگذار است. با جمع بندی نظرات مفسران و اشکالات وارده به برخی از آنها و با در نظر گرفتن آیات نافرمانی شیطان و اخراج او و همچنین آیات مربوط به اغوای آدم و حوا، می توان چنین نتیجه گرفت که شیطان دو هبوط داشته است. یکی آن هنگام که در برابر فرمان خداوند نافرمانی کرد و از مراتب بالاتر آسمان اخراج شد و به پایین ترین آسمان که محل قرارگرفتن آدم و حوا بود، فرستاده شد و مرتبه دوم پس از فریب آدم و حوا که با ایشان همگی امر به هبوط بر روی زمین را از جانب خداوند دریافت کردند.



## دو. معنای واژه رجوم در قرآن

تمام مفسران اسلامی که در معنای واژه رجیم به بیان احتمالات گوناگون می‌پرداختند، به یک باره در معنای واژه رجوم همگی به ریشه سنگ‌زدن رجوع کردند. علت چیست؟ ظاهراً ریشه مشکل در این است که غالب مفسران مفهوم آیه ۵ سوره ملک را با آیات مربوط به تعقیب شیاطین توسط شهاب‌ها یکی دانستند. ذهنیت ایشان در رابطه با آیات مربوط به شهاب‌ها از سویی، و یکسان‌انگاری ستاره و شهاب در قرآن از سویی دیگر، سبب شده است با کنار هم قراردادن آیات مربوط به استراق سمع در آسمان و نیز کاربرد واژه رجیم برای شیاطین و رجوماً برای حفاظت از آسمان، به این نتیجه برسند که سایر معنای ریشه رجم را وانهاد و به معنای سنگ‌زدن رو بیاورند و برخی که به تفاوت میان شهاب و ستارگان قائل بوده و می‌دانستند ستاره قابل پرتاب شدن نیست، بالاجبار یا کواکب را اعم از ستارگان و شهاب‌ها گرفتند و یا به توجیهاتی دیگر پرداختند که در ادامه خواهد آمد.

## الف. نظرات مفسران اسلامی در معنای «رجوم»

از میان تفاسیر اسلامی که رینولدز به نقل آنها پرداخته، تفسیر مقاتل، رجیم را ملعون تفسیر کرده است. در جای دیگر بیان داشته است که خداوند ستارگان را پرتابه‌هایی (زمیئات) برای شیاطین ساخت. تفسیر قمی نیز ضمن نقل حکایتی از ولادت حضرت محمد ﷺ از زبان مادر ایشان آمنه، با نظر مقاتل موافقت کرده و افزوده است: خداوند این کار را بدان سبب انجام داد که شیاطین پیوسته به آسمان صعود کرده و جاسوسی می‌کنند. طبری که در آیه ۳۴ سوره حجر «رجیم» را مشتوم و یا ملعون معنا کرده است، در معنای واژه رجوم می‌گوید: «چراغ‌هایی را که آسمان‌های دنیا را با آن‌ها زینت داده‌ایم (برای رجم کردن شیاطین) قرار دادیم تا توسط آنها رجم شود» (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۲۲/۲۳)، که خداوند ستارگان را برای سه منظور آفرید: به‌عنوان تزئینی برای آسمان، سنگسار شیاطین و به‌عنوان نشانه‌های راهنما (یعنی در جهت یابی). زمخشری «رجیم» را به‌عنوان کسی که با شهاب‌ها (شُهب)، سنگ زده شده است، معنا می‌کند، یا (اصطلاحاً) کسی که از رحمت خدا رانده می‌شود؛ وی در تفسیر سوره ملک، همان روایت طبری را در سه هدف ستارگان تکرار می‌کند با این تفاوت که افزوده است، خود ستاره‌ها نمی‌توانند به سمت شیاطین پرتاب شوند؛ بلکه فقط نوعی اخگر (قبس) از آنهاست که پرتاب می‌شود. ابن‌کثیر که نظرش بسیار نزدیک به نظر زمخشری است و همچون او، سنت «سه هدف» را دربارهٔ ستارگان تکرار کرده و با اعتقاد بر اینکه ستارگان نمی‌توانند پرتاب شوند، این چنین نظر می‌دهد: «ستارگان آسمان را نمی‌افکنند؛ بلکه شهاب‌هایی غیر از آن ستارگان را که ممکن است از ستاره‌ها مشتق شده باشند، می‌فرستد. خداوند داناتر است.»

در میان تفاسیر جدید نیز این رویه ادامه پیدا کرده با این تفاوت که باتوجه به پیشرفت علم، احتیاط در بیان چگونگی رجم شیاطین به وسیله ستارگان بیشتر شده است. برای مثال علامه که رجوم را همان ستارگان زینت بخش آسمان می داند، این آیه را به آیات شهاب ربط داده است (طباطبائی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۵۸۹/۱۹)؛ و در شرح آن اذعان می کند که به ناچار و به منظور پیشگیری از مخالفت با علوم روز باید گفت خداوند مثال هایی زده تا آنچه خارج از حس است، قابل فهم شود. لذا در این آیه مراد از آسمان را عالم ملکوت گرفته که با نزدیک شدن شیاطین به عالم فرشتگان، با نوری از ملکوت که شیطان ها تاب تحمل آن را ندارند، توسط فرشتگان دور می شوند (همان: ۱۸۷/۱۷). بدین ترتیب همچنان معنای سنگسار را در رجوم نهفته فرض کرده است. یا در تفسیر نمونه که از آن فراتر رفته و در عین حالی که رجوم را اشاره به شهاب ها می داند که همچون تیری از یکسوی آسمان به سوی دیگر پرتاب می شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ۳۳۳/۲۴). در شرح آن پس از بیان نظرات گوناگون رأی مختار را چنین می داند: «منظور از «آسمان»، آسمان حق و حقیقت است، و شیاطین همان وسوسه گران هستند که می کوشند به این آسمان راه یابند و استراق سمع کنند و به اغوای مردم پردازند؛ اما ستارگان و شهب یعنی رهبران الهی و دانشمندان با امواج نیرومند قلمشان آنها را به عقب می رانند و طرد می کنند.» (همان: ۶۵/۱۱).

#### ب. ارزیابی نظرات مفسران اسلامی در معنای «رجوم»

به نظر می رسد پذیرش معنای سنگ زدن برای رجوم با مشکلاتی روبروست: مهمترین مسئله این است که مفسران مسئله حفاظت از آسمان به وسیله ستارگان را با تعقیب شیاطین توسط شهاب ها یکی گرفته اند، در حالی که «رجوما» به معنای اصل دفع است و نه الزاماً دفع همراه با سنگ زدن (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۴۰۲: ۷۳/۴)؛ و در این آیه نیز، اصل وجود ستارگان سبب دفع شیاطین معرفی شده است (بهادری جهرمی، بررسی آیات دورکردن شیاطین به وسیله شهاب سنگ، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۸۰).

توضیح بیشتر اینکه در حال حاضر باتوجه به پیشرفت علوم روز به خوبی می دانیم شهاب و ستارگان دو پدیده کاملاً متفاوت در طبیعت هستند و نمی توان آنها را یکی در نظر گرفت و منظور از شهاب در ستاره شناسی یک سیارک یا شهاب واره است که وارد جو زمین می شود (آسیموف، دانشنامه جهان، ۳۲/۱۳۷۴). پس به کمک بینامتنیت و با استفاده از دانش نجوم به این نتیجه می رسیم که شهاب نه یک ستاره است و نه نوری است که از ستاره خارج می شود. علاوه بر این حتی درباره شهاب ها نیز در قرآن از تعبیر تعقیب کردن استفاده شده است و نه زدن و برخورد کردن پس باتوجه به معانی متعدد ریشه رجم



و کاربردهای گوناگون آن در قرآن چه نیازی است که رجوم را به معنای وسیله‌ای برای سنگ‌زدن در نظر بگیریم، درحالی‌که در واژه رجیم نیز اکثراً به این معنا توجهی نکرده و به راحتی واژه را ملعون یا طردشده معنا کرده‌اند.

مهم‌تر از همه اینکه وقتی به آیات سوره مبارکه صافات مراجعه می‌کنیم: ﴿إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَيْتِنَا الْكَوَاكِبِ \* وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ \* لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ \* دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ \* إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَائِقِبٌ﴾ (صافات/ ۶-۱۰)؛ مشاهده می‌شود که تا آیه ۹، هیچ سخنی از رانده شدن با شهاب نیست؛ بلکه خداوند صراحتاً بدون نام بردن از شهاب به بیان این نکته می‌پردازد که آسمان‌ها از هر شیطان سرکشی محافظت می‌شود و آنها نمی‌توانند از ملا اعلی چیزی بشنوند؛ نکته جالب‌تر در این آیات این است که حتی قبل از اینکه صحبتی از شهاب‌ها باشد، خداوند با استفاده از دو واژه «یقدفون» و «دحورا» اشاره به پرتاب شدن شیاطین و به شدت به عقب رانده شدنشان دارد. دحور از ریشه دحر به معنای طرد و راندن با قهر و خواری است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۵۲: ۳۲۹/۲)؛ و قذف به معنی پرتاب کردن به دور (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۶: ۶۶۱/۱) یَقْدِفُونَ = يَدْحُرُونَ (قرطبی، تفسیر قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۵/۶۵)؛ یعنی سیستم دفع و دورراندن شیاطین در آسمان‌ها و ستارگان موجود است و اجازه نزدیک شدن شیاطین به عوالم بالا و شنیدن از ملا اعلی را به آنها نمی‌دهد و آنگاه پس از بیان این مطالب است که خداوند تذکر داده که درعین حال و با وجود این حفاظت در آسمان‌ها، حال اگر کسی سعی در حتی ذره‌ای استراق سمع هم داشته باشد، توسط شهاب‌ها مورد تعقیب قرار می‌گیرد ﴿إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَائِقِبٌ﴾. عیناً همین ترتیب بیان در آیات سوره حجر نیز مشاهده می‌شود (حجر/ ۱۶-۱۸)؛ بنابراین نقش شهاب‌ها به عنوان تعقیب‌کننده شیاطین، و ستارگان به عنوان حفاظت‌کنندگان از آسمان دو نقش کاملاً مجزا و متفاوت است و نباید این دو را با هم خلط کرد.

با در نظر گرفتن این تفسیر دیگر نیازی نیست مانند برخی مفسران در تفسیر «الا» به تکلف افتاده و بالاجبار آن را منقطع در نظر بگیریم (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰۴/۶)؛ بلکه به راحتی می‌توان آن را در معنای ظاهری خود ترجمه کرد. همچنان‌که علامه نیز «الا» را استثنا از ضمیر فاعل در «لا يَسْمَعُونَ» دانسته است، هرچند که ایشان نیز در ادامه به استثنای منقطع نیز اشاره کرده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۲۴/۱۷).

نکته دیگر اینکه در آیه ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاطِقِينَ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (حجر/ ۱۶-۱۷)؛ ضمیر «ها» در دو عبارت «زیناها» و «حفظناها»، هر دو به یک کلمه

برمی‌گردد: «السماء»، همان آسمان مادی که با ستارگان زینت یافته، حفاظت شده است. لذا در آیه «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا» (انبیا/۳۲) صراحتاً آسمان یک سقف محافظت‌شده در نظر گرفته شده است. افزون بر اینکه آسمان حفاظت‌شده است و نه آسمان حفاظت‌کننده. پذیرش این نظر همچون خط بطلانی خواهد بود بر تصور برخی که این آیه را اشاره به جو زمین دانسته‌اند که زمینیان را از سنگ‌های سرگردان و اشعه‌های مضر محافظت می‌کند (احسانی به نقل از بازرگان، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۳۵)؛ چراکه این آیه صراحتاً آسمان را محفوظ دانسته است و نه حافظ! همچنان که طبرسی نیز حفظ آسمان از شیطان را به این معنا دانسته است که از آسمان حفاظت می‌شود تا شیطان‌ها داخل آن نشوند و شیاطین به وسیله شهاب‌هایی که آماده شده، نمی‌توانند به جایگاهی که استراق سمع برایشان میسر است، برسند. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰۷/۶)؛ یا ابوالفتوح که ذیل تفسیر همین آیه با استناد به آیه «وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ» می‌نویسد: «قول دیگر آن است که محفوظ است از شیاطین به رجوم» (رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۶: ۲۲۳/۱۳)

از طرفی اشاره به دفع شیاطین توسط ستارگان «وَيَقْدُفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا» می‌تواند اشاره به یک واقعیت علمی باشد که احتمالاً ستارگان نسبت به شیاطین از خود نیروی دافعه دارند. این در حالی است که می‌دانیم اجرام آسمانی همچون زمین دارای نیروی جاذبه هستند؛ اما توجه به این نکته خالی از لطف نیست که این نیروی جاذبه فقط برای اجرام مادی است که دارای جرم مثبت هستند و به آنها نزدیک می‌شوند و چنانچه پادماده که دارای جرم منفی است به آنها نزدیک شود به همان میزان نیروی دافعه از خود نشان خواهند داد. آدرین موریس دیراک، دانشمند انگلیسی اعلام کرد که پادماده دارای انرژی و جرم منفی است و اجسام و موجوداتی از پادماده در جهان زندگی می‌کنند که ما قادر به درک آنها نیستیم. در سخنی از امام صادق (علیه السلام) نیز آمده است: «جهان از یک جرثومه به وجود آمد و آن جرثومه که دارای دو قطب متضاد بود، سبب پیدایش ذره گردید و آنگاه ماده به وجود آمد و ماده تنوع پیدا کرد و تنوع ماده ناشی از کمی یا زیادی ذرات آنها است.» ذره نور پس از فعل و انفعالاتی به دو ذره ماده و پادماده تبدیل می‌شود، لذا احتمالاً در ابتدای شروع عالم که فقط انرژی وجود داشته است و آن زمان که انرژی به ماده تبدیل شده، پادماده نیز در کنار آن ایجاد شده است و چه بسا شیاطین از همین جنس باشند و چون به ستارگان نزدیک می‌شوند، به عقب پرتاب می‌شوند (یقدفون - دحورا). همچنین دانشمندان فیزیک بر این عقیده‌اند که از برخورد ماده و پادماده نور پدید می‌آید، لذا این نور نیز ممکن است همین شهابی باشد که در صورت نزدیک شدن شیاطین به ستارگان و تلاش برای استراق سمع همچون نوری در آسمان دیده می‌شود. در سخنی از امام صادق (علیه السلام) خطاب به شاگردشان ابوشاکر آمده





است: «ای ابوشاکر این روشنایی که مبدأ آن خورشید است خدا را می‌پرستد و اطاعت می‌کند و اطاعتش آن قدر منظم و دقیق است که از دو عامل متضاد به وجود می‌آید و هیچ‌یک از آن دو عامل روشنایی ندارند؛ ولی بعد از اینکه به هم جفت شدند روشنایی به وجود می‌آید و آن دو عامل متضاد هم مثل این روشنایی خداشناس هستند؛ چون از قواعدی که خداوند برای آنها وضع کرده، اطاعت می‌کنند تا روشنایی را به وجود بیاورند» (سعادت، بشقاب پرنده، ۱۳۷۶: ۲۵) طبیعی است که بیان این مطلب در حد یک فرضیه است که اثبات آن نیازمند ادله بسیاری است که از حدود این مقاله خارج است. در انتها با بررسی موارد فوق مشخص شد که در ترجمه آیه ۵ سوره ملک نه تنها دلیلی وجود ندارد که بخواهیم از سایر معانی رجم به سنگسار رجوع کنیم؛ بلکه با در نظر گرفتن ادله ذکرشده پرهیز از این معنا صحیح به نظر می‌رسد.

### سه. کیهان شناسی با استفاده از قرآن و منابع اسلامی

باتوجه به مطالبی که ذکر شد، و پذیرش پیشنهاد رینولدز در معنای رجیم و البته اثبات آن با منابع اسلامی و بدون نیاز به منابع عهدین، تنها یک نکته باقی می‌ماند و آن استدلال او در بیان کیهان شناسی با استفاده از منابع عهدینی است که در ادامه با بیان آیات و روایاتی نشان خواهیم داد این مفهوم نیز از منابع اسلامی قابل برداشت است و نیازی به رجوع به منابع عهدینی نیست. از جمله نکاتی که رینولدز در کتاب خود سعی بر اثبات آن داشته است، حضور ملائکه در آسمان و جایگاه ایشان در بالاتر از فضای آسمان دنیاست و اینکه شیطان به همراه آدم و حوا از جایی فراتر از آسمان دنیا به سوی زمین فرستاده شدند. طبیعی است که جز به مدد غیب نمی‌توان پیرامون جایگاه ملائکه و وضعیت آسمان‌ها سخن گفت؛ چراکه علم تجربی تنها در مشاهدات حسی کاربرد داشته و در مسائل ماوراء طبیعت نفعاً و اثباتاً ساکت است. افزون بر آن، علم بشر تاکنون حتی به شناخت کامل از آسمان و ستارگان نیز نرسیده است، چه رسد به اظهار نظر پیرامون ورای آن؛ اما آنچه پیرامون این مطلب در آیات و روایات ما آمده است نشان‌دهنده مؤیداتی در این زمینه است که جایگاه ملائکه در آسمان است؛ از جمله آیه ﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُونَ مُطَمَّئِنِينَ لَنَرُنَّاهُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾ (اسرا/۹۵) بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می‌کردند، و) با آرامش گام برمی‌داشتند، ما فرشته‌ای را به‌عنوان رسول، بر آنها می‌فرستادیم!» (چراکه رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُضِي﴾ (نجم/۲۶) و چه بسیار فرشتگان آسمان‌ها که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد؛ مگر پس از آنکه خدا برای هرکس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد!

همچنین در کلام حضرت امیر علیه السلام است که می فرماید: «از نشانه‌های آفرینش او، خلقت آسمان‌های پابرجا بدون ستون و تکیه‌گاه است. آسمان‌ها را به اطاعت خویش دعوت و آنها بدون درنگ اجابت کردند، اگر اقرار آسمان‌ها به پروردگاری او، و اعترافشان در اطاعت و فرمانبرداری از او نبود، هرگز آسمان‌ها را محل عرش خویش و جایگاه فرشتگان، و بالا رفتن سخنان پاک و اعمال نیک و صالح بندگانش قرار نمی داد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۸۲).

«ای خدای آسمان بر افراشته، و فضای نگاه داشته، که آن را زمینه پیدایش شب و روز، و جریان گردش ماه و خورشید، و مسیر آمد و شد ستارگان سیار قرار داده‌ای، و جایگاه گروهی از فرشتگان ساخته‌ای که از عبادت تو خسته نمی گردند.» (همان: خطبه ۱۷۱).

«شگفت آور است آفرینش فرشتگان تو که گروهی از آنها را در آسمان‌ها سکونت دادی و از زمین بالا برده‌ای. آنها از همه آفریدگان نسبت به تو آگاه ترند، و بیشتر از همه نسبت به تو بیمنانند، و به تو نزدیک ترند.» (همان: خطبه ۱۰۹).

«در تمام آسمان‌ها جای پوستینی خالی نمی توان یافت، مگر آنکه فرشته‌ای به سجده افتاده، یا در کار و تلاش است. اطاعت فراوان آنها بر یقین و معرفتشان نسبت به پروردگار می افزاید، و عزت خداوند عظمت او را در قلبشان بیشتر می نماید.» (همان: خطبه ۹۱)؛ اما بالاتر بودن جایگاهی که شیطان از آن بیرون رانده شد نسبت به زمین نیز مطلبی است که می توان به کمک سایر آیات قرآنی و بدون نیاز به کتب مقدس به خوبی تبیین نمود. از جمله مؤیدات این مطلب آیتی است که در آن خداوند به بیان داستان فریب شیطان و هبوط آدم می پردازد. شیطان از بهشت یا از آسمان‌ها اخراج شد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۳/۲۶). «أخرج منها فإنك رجيم» (حجر/۳۴) و به همراه آدم و حوا فرمان هبوط به زمین را گرفت: «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره/۳۶)، پس بهشت آدم در آسمان بوده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۱۳۵).

## نتیجه

گابریل رینولدز معتقد است مفسران اسلامی واژه رجیم را نادرست معنا کرده‌اند و ادله خویش را در اثبات این مدعا در دو بخش ارائه داده است؛ یکی اینکه نباید معنای واژه را در معنای عربی «سنگ زدن» جستجو کنیم و دیگر ناکافی بودن منابع اسلامی و نیاز به متون کتب مقدس در فهم قرآن. رینولدز رجیم را به معنای اخراج شده یا طرد شده و واژه رجوم را در ارتباط معنایی با آن می داند و می گوید: قرآن، شیطان و لشکریانش را رجیم می خواند چون اخراج شده و راه آنها به آسمان مسدود



شده است. وی معتقد است آیات درصدد بازتاب کیهان‌شناسی هستند که به موجب آن خداوند ستارگان را در پایین‌ترین آسمان قرار داد و نقش ویژه ستارگان را در محافظت از آسمان منعکس می‌کند، که در نتیجه اخراج شیاطین را به اجرا در می‌آورد. با مراجعه به منابع اسلامی این نتیجه حاصل شد که معانی دیگری نیز برای مشتقات رجم مورد استفاده لغویون و مفسران بوده است؛ اما اغلب ایشان در واژه رجیم و تقریباً همگی در واژه رجوم احتمالاً تحت تاثیر آیات مربوط به شهاب و استراق سمع شیاطین به خطا رفته و به یک باره به معنای سنگ‌زدن عدول کرده‌اند. درحالی‌که تنها با استفاده از منابع اسلامی و با دقت در ترتیب قرار گرفتن آیات و نیز روابط همنشینی و بدون نیاز به کتب مقدس می‌توان به این نتیجه رسید که رجیم و رجوم در قرآن به معنای سنگ‌زدن نیستند و محتوای آیه ۵ سوره ملک، مجزای از تعقیب شیاطین به وسیله شهاب‌هاست؛ چراکه بر اساس آیات قرآن سیستم دفع و دور راندن شیاطین در آسمان‌ها و ستارگان موجود است و شیاطین اجازه ورود به عالم بالا یعنی جایگاه ملائکه را ندارند بی‌آنکه از ستارگان به‌عنوان پرتابه استفاده شود.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. آسیموف، ایزاک، دانشنامه جهان، شماره ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۳. ابن ابی زینین، ابی عبدالله محمد بن عبدالله، تفسیر ابن ابی زینین، الفاروق الحدیثه، مصر: ۱۴۲۳.
۴. ابن فارس، أبو الحسین، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، دار الفکر، قم: ۱۳۹۹.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۶. ابو عبیده، معمر بن المثنی، مجاز القرآن، محقق: محمد فواد سزگین، مکتبه الخانجی، مصر: ۱۳۸۱.
۷. احسانی، کیوان، پرویزیان، مریم، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها درباره آیات رجم شیاطین با شهاب‌ها»، تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، سال دوم، شماره دوم، ص ۱۱۱-۱۳۵، ۱۳۹۵.
۸. بهادری جهرمی، روح‌الله، «بررسی آیات دورکردن شیاطین به وسیله شهاب سنگ»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۱، شماره ۳، ص ۸۰-۱۰۳، ۱۳۹۵.
۹. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محمدجعفر یاحقی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد: ۱۳۷۶.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم، دمشق: ۱۴۱۶.
۱۱. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، هیئة المصرية العامة للكتاب، مصر: ۱۹۹۰.
۱۲. زروانی، مجتبی؛ علمی، قربان؛ سعیدی، محمدباقر، «بررسی و نقد آرای گابریل رینولدز در باب کفالت حضرت مریم در قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره دوم، ص ۲۶۹-۲۸۴، ۱۳۹۵.
۱۳. سعادت، حسن، بشقاب پرنده، نوید، شیراز: ۱۳۷۶.
۱۴. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.



۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم: بی تا.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۷۴.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲.
۱۸. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲.
۱۹. طنطاوی، سید محمد، تفسیر الوسیط، نهضه مصر، مصر: ۱۹۹۷.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. علوی، سیدحسین؛ محمدی، محمدحسین، «تحلیل جریان‌های اصلی قرآن پژوهی مستشرقان معاصر (با تأکید بر آمریکا)»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هجدهم، شماره ۳۴، ص ۹-۳۸، ۱۴۰۲.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰.
۲۳. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، محقق: أحمد یوسف النجاتی، محمد علی النجار، عبدالفتاح إسماعیل الشلبی، دار المصرية للتألیف والترجمة، مصر: بی تا.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی ابراهیم سامرائی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۰۸.
۲۵. قائمی نیا، علیرضا، بیولوژی نص، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲۶. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۴۱۲.
۲۷. قرطبی، محمد بن أحمد، تفسیر القرطبی، تحقیق: أحمد البردونی و ابراهیم أطفیش، دار الکتب المصریه، مصر: چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمه والنشر، تهران: ۱۴۰۲.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۵۳.
۳۰. نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی، محقق مروان محمد شعار، دارالفنایس، بیروت: ۱۴۱۶.
۳۱. نوبری، علیرضا، میرمرادی، سید سمانه، «تحلیل انتقادی مقاله دوتایی‌های قرآنی»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هجدهم، شماره ۳۲، ص ۱۱۹-۱۵۰، ۱۴۰۱.
32. Reynolds, Gabriel S. The Qur'ān and its Biblical Subtext. New York: Routledge, 2010.
33. Nöldeke, T., Neue Beiträge zur semitischen Sprachwissenschaft, Strassburg: Trübner, 1910, 25, 47.

## Resources

1. *Quran –e – Karim (Th Holy Quran)*, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and A Group of Professors from Al-Mustafa University, *Quran-e Karim (The Noble Qur'an)*, Al-Mustafa Publications, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Abu Ubaydah, Mu'amar Bin Al-Muthanna, *Majaz al-Quran (Metaphors of Quran)*, Edited by Mohammad Fuat Sezgin, Maktabah Al-Khanji, Egypt: 1381 SH (2002 CE).
3. Alavi, Sayyid Hossein; Mohammadi, Mohammad Hossein, "*Tahlil-e Jarayanha-ye Asli-ye Quran-Pazhuhi-ye Mostasherghan-e Mo'aser (ba Ta'kid bar America)*" (*Analysis of the Main Trends in Contemporary Orientalists' Quranic Studies (with Emphasis on America)*), Bi-Annual Orientalists' Quranic Studies, Year 18, Number 34, Pages 9-38, 1402 SH (2023 CE).
4. Asimov, Isaac, *Daneshnameh-e Jahan (The World Encyclopedia)*, Office of Islamic Culture Publications, Tehran: 5<sup>th</sup> Edition, 1374 SH (1995 CE).
5. Bahaduri Jahromi, Rouhollah, "*Bareasi-e Ayat-e Durkardan-e Shayatin be Vosile-ye Shahab-e Sang*" (*Investigating Verses of the Driving Away of Devils by Stony Meteors*), *Quranic Studies*, Year 21, Number 3, Pages 80-103, 1395 SH (2016 CE).
6. Ehsani, Keyvan; Parvizian, Maryam, "*Barresi-e Tatbiqi Didghah-ha darbareh Ayat-e Rajm-e Shayatin ba Shahab-ha*" (*A Comparative Study of Perspectives on the Stoning Verses of Devils with Meteors*), *Comparative Exegesis of Qom*, Qom Univesity, Year 2, Number 2, Pages 111-135, 1395 SH (2016 CE).
7. Fakhr Razi, Mohammad Bin Umar, *Tafsir al-Kabir (The Great Commentary)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
8. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ayn (The Book of Fountion)*, Researched by Mahdi Mokhzomi, Ibrahim Samarrai, Moassesat al-A'lmi for Publishing, Beirut: 1408 AH (1987 CE).
9. Farra, Yahya Bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Researched by Ahmad Yusuf al-Najati, Mohammad Ali al-Najjar, Abdel-Fattah Ismail al-Shalbi, Dar al-Masriah for Authoring and Translation, Egypt: n.d.



10. Ibn Abi Zamaneen, Abu Abdullah Mohammad Bin Abdullah, *Tafsir Ibn Abi Zamaneen (Tafsir Ibn Abi Zamaneen)*, Al-Farooq Al-Haditha, Egypt: 1423 SH (2004 CE).
11. Ibn Faris, Abu al-Hossein, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Edited by Abdul Salam Mohammad Haroun, Dar Al-Fikr, Qom: 1399 SH (2020 CE).
12. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisaan al-Arab (Language of Arabs)*, Dar Sader, Beirut: 3<sup>rd</sup> Edition, 1414 SH (1993 CE).
13. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Commentary)*, Dar al-Kutub al-Islamiyah, Tehran: 1353 AH (1974 CE).
14. Mostafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Holy Quran)*, Markaz al-Kitab for Translation and Publication, Tehran: 1402 SH (2023 CE).
15. Nasafi, Abdulah Bin Ahmad, *Tafsir al-Nasafi*, Researched by Marwan Mohammad Shaarar, Dar al-Nafaes, Beirut: 1416 AH (1995 CE).
16. Nöldeke, T., *Neue Beiträge zur semitischen Sprachwissenschaft*, Strassburg: Trübner, 1910, 25, 47.
17. Noubari, Alireza; Mirmoradi, Sayyed Samaneh, “*Tahlil-e Enteqadi-ye Maqale-ye Dotayi-haye Quran-i*” (*Critical Analysis of Quranic Doublet Verses*), Bi-Annual Journal for Orientalists’s Quranic Studies, Year Seventeen, Number 32, Pages 119-150, 1401 SH (2022 CE).
18. Qa’emina, Alireza, *Biology-e Nas (Biology of the Text)*, Sazman-e Entesharat-e Pazuhehgah-e Farhang va Andishe, Tehran: 2<sup>nd</sup> Edition, 1393 AH (2014 CE).
19. Qarashi, Ali Akbar, *Qamus-e Quran (Quran Dictionary)*, Dar al-Ketab al-Islamiyah, Tehran: 1412 AH (1992 CE).
20. Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Tafsir al-Qurtubi*, Researched by Ahmed al-Bardoni and Ibrahim Atfis, Dar al-Kutub al-Masriyyah, Egypt: 2<sup>nd</sup> Edition, 1384 AH (1964 CE).
21. Raghīb Isfahani, Husayn Bin Mohammad, *Mufarradat Alfadh al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Edited by Safwan Adnan Dawoodi, Dar Al-Qalam, Damascus: 1416 SH (1997 CE).
22. Rashid Rida, Mohammad, *Tafsir al-Quran al-Hakim (Tafsir al-Manar) (Interpretation of the Noble Quran)*, Public Egyptian Book Authority, Egypt: 1990 CE (1368 SH).

23. Razi, Abu al-Fattouh, Mohammad Jafar Yahaghi, *Rawz al-Janan wa Ruuh al-Janan fi Tafsir al-Quran (Gardens of Paradise and Spirit of Paradise in Quran Interpretation)*, Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, Mashhad: 1376 SH (1997 CE).
24. Reynolds, Gabriel S., *The Qur'an and Its Biblical Subtext*, New York: Routledge, 2010.
25. Sa'adat, Hassan, *Boshghab-e Parandeh (The Bird Plate)*, Navid, Shiraz: 1376 (1997 CE).
26. Sharif Razi, Mohammad Bin Hossein, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Edited by Sobhi Saleh, Hijrat, Qom: 1414 AH (1993 CE).
27. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Explanation of the Quran)*, Dar al-Ma'arefah, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
28. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Collection of Explanation in Quranic Exegesis)*, Dar al-Ma'arefah, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
29. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Ismailiyan, Qom: Beta.
30. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Tarjomeh Tafsir al-Mizan (Translation of Al-Mizan's Commentary)*, Daftar-e Entesharat-e Eslami, Qom: n.d.
31. Tantawi, Sayyid Mohammad, *Tafsir al-Wasit (The Middle Commentary)*, Nahdah Misr, Egypt: 1997 CE.
32. Tusi, Mohammad Bin Hasan, *Al-Tibyan (The Explanation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
33. Zerwani, Mojtaba; Ilmi, Qorban; Saeedi, Mohammad Baqer, "*Barresi va Naghd-e Aray-e Gabriel Reynolds dar Bab-e Kafalat-e Hazrat Maryam dar Quran*" (*Investigating and Critiquing the Views of Gabriel Reynolds on the Guardianship of the Virgin Mary in the Quran*), Quran and Hadith Studies, Year 42, Number 2, Pages 269-284, 1395 SH (2016 CE).